

جایگاه و صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

محمدامین ابریشمی‌راد*، سجاد جلالی**

چکیده

ستاد حقوق بشر به موجب مصوبه شماره ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی از سال ۱۳۸۴ در ذیل ساختار قوه قضائیه تشکیل شده و به ایفای صلاحیت در حوزه حقوق بشر می‌پردازد. این پژوهش در قالبی توصیفی تحلیلی به بررسی و تبیین جایگاه و صلاحیت‌های این ستاد در نظام سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و چالش‌های پیش‌روی این ستاد را شناسایی و تحلیل کرده است. بر مبنای یافته‌های این تحقیق، ستاد حقوق بشر را تنها می‌توان به عنوان شورای فرعی ذیل شورای عالی امنیت ملی شناسایی کرد که از این جهت برخلاف ساختار این ستاد که در ذیل قوه قضائیه قرار دارد، این ستاد واجد شأن فراقوه‌ای است. البته، عدم تصویب شرح وظایف این ستاد توسط مجلس یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این ستاد است که با توجه به مغایرت آن با صراحت اصل ۱۷۶ قانون اساسی، انطباق تصمیمات این ستاد با موازین قانونی را با خدشه مواجه نموده است. لذا لازم است تا مجلس شورای اسلامی اقدام به تعیین صلاحیت‌های این ستاد کند.

واژگان کلیدی: شورای عالی امنیت ملی، ستاد حقوق بشر، حقوق بشر، شورای فرعی، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

Abrishmirad@semnan.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران Ss.jalali@ut.ac.ir

مقدمه

با توسعه مفهوم حاکمیت قانون و شکل‌گیری نهضت قانون اساسی‌گرایی، نظام‌های سیاسی تلاش کردند تا نهادها و مراجع صلاحیت‌دار در اداره امور کشور را در قوانین اساسی مشخص نمایند. قانون اساسی قواعد حاکم بر اساس حکومت، صلاحیت، قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی را تعیین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۲) و از نظر شکلی این قانون متضمن اصول و قواعد رفتاری یا سازمانی برای افراد و سازمان‌ها و متصدیان امور و قوانین حاکم است (قاضی، ۱۳۸۳: ۴۰). این موضوع در سال ۱۳۵۸، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور گردید و به خصوص در اصلاحات سال ۱۳۶۸ تلاش شد تا با شناسایی برخی از مراجع دیگر همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام، ساختار اصلی قدرت شفاف‌تر تعیین شود. با این وجود، پیش‌بینی همه مراجع و نهادهای صلاحیت‌دار در قانون اساسی مقدور و شاید به صلاح نباشد و در عمل بخش قابل‌توجهی از مراجع و نهادهای رسمی کشور به وسیله مراجع صلاحیت‌دار در قانون اساسی و به خصوص مجلس شورای اسلامی شکل گرفته‌اند.

«ستاد حقوق بشر» از جمله نهادها و تشکیلاتی است که از سال ۱۳۸۴ در نظام سیاسی ایران ایجاد شده است. این ستاد به پیشنهاد رئیس وقت قوه قضائیه و به منظور تمرکز فعالیت‌ها در زمینه مسائل حقوق بشری و استفاده بهینه از امکانات و اجرای دقیق‌تر تصمیمات مربوطه، به موجب مصوبه شماره ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی تأسیس شد.

تبیین جایگاه و صلاحیت‌های این شورا به عنوان مرجعی که قریب به ۱۵ سال از تأسیس آن در نظام سیاسی ایران می‌گذرد، رسالت این تحقیق است. بر این اساس، در تلاش خواهد شد تا در قالبی توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ داده شود که جایگاه ستاد حقوق بشر در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران کجاست؟ و ایفای صلاحیت‌های آن ستاد در نظام سیاسی ایران با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟

فرضیه نویسندگان این تحقیق آن است که با وجود آنکه تأسیس ستاد حقوق بشر به استناد اصل ۱۷۶ قانون اساسی و به عنوان شورای فرعی آن شورا دارای مبنای قانونی به نظر می‌رسد، اما با توجه به اینکه به موجب اصل مزبور، صلاحیت‌های این شورا باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تاکنون چنین مصوبه‌ای به تصویب مجلس نرسیده، مشروعیت اعمال صلاحیت‌های آن شورا محل تردید است. با بررسی پیشینه این موضوع، این نکته به دست می‌آید که تاکنون در هیچ کتاب یا مقاله‌ای به بررسی و تبیین جایگاه و صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر پرداخته نشده و این موضوع ضرورت انجام این تحقیق و بدیع بودن آن را نمایان می‌سازد.

به منظور پاسخ به سؤالات این تحقیق، ابتدا تلاش خواهد شد تا پیشینه نهادهای حقوق بشری در ایران اختصاراً بازخوانی شوند؛ سپس، جایگاه نهاد و مصوبات ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران شناسایی و تحلیل شود و در نهایت، صلاحیت‌های این ستاد و چالش‌های پیرامون آن مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

۱. پیشینه نهادهای حقوق بشری در ایران

با بررسی و تتبع در پیشینه نهادهای حقوق بشری در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان مشاهده کرد که از دهه هفتاد به بعد، ضرورت فعالیت در حوزه حقوق بشر مورد توجه نظام سیاسی و حقوقی کشور قرار گرفته و در این راستا، مراجع و نهادهای متعددی در حوزه حقوق بشر ایجاد شده‌اند.

از جمله اولین مراجع در این زمینه باید به «اداره حقوق بشر و زنان وزارت امور خارجه» اشاره کرد که از سال ۱۳۷۰ در ساختار داخلی وزارت امور خارجه عملیاتی شده است. این اداره مسئولیت تمرکز بر کلیه امور حقوق بشر در حوزه‌های حقوق زنان، حقوق کودک، حقوق سیاسی - مدنی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق توسعه، خدمات مشورتی و همکاری‌های فنی در زمینه حقوق بشر، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و در سایر کشورها و نظایر آن را برعهده دارد.

پس از آن، «کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران» اولین مرجعی بود که به عنوان نهادی ملی و دارای شخصیت حقوقی مستقل در سال ۱۳۷۳ تشکیل شد. مبتنی بر اساسنامه کمیسیون مزبور، با وجود اهتمام این کمیسیون نسبت به حقوق بشر اسلامی، این امر مانع از فعالیت و تلاش در زمینه حقوق بشر بین‌المللی نیست. طبق اساسنامه این کمیسیون، مرکز کمیسیون در تهران بوده و ممکن است شعب آن در هر منطقه‌ای از کشور و جهان ایجاد شود.

«کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران» مرجع دیگری بوده که به استناد مصوبه هیئت وزیران با عنوان «آیین‌نامه کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۱۲ و بنا به پیشنهاد جمعیت هلال‌احمر با استناد به موادی از قانون اساسنامه جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۷) ایجاد شد.

ستاد حقوق بشر قوه قضائیه مرجع دیگری بود که قطع نظر از صلاحیت یا عدم صلاحیت مقام مؤسس آن، در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲۷ به موجب آیین‌نامه مصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل شد. به موجب ماده ۲ این آیین‌نامه اعضای ستاد حقوق بشر قوه قضائیه عبارت بودند از: معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه، معاونت قضائی قوه قضائیه، معاونت اطلاع‌رسانی و امور اجتماعی قوه قضائیه، سخنگوی قوه قضائیه، دادگستری استان تهران، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مرکز دفتر مطالعات توسعه قضائی، نماینده رئیس دیوان عالی کشور،

نماینده دادستان کل کشور، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها و یک نفر از اعضای کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی. کمیته حقوق بشر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی نیز مرجع دیگری است که به عنوان پنجمین کمیته این کمیسیون، در سال ۱۳۸۱ توسط خود این کمیسیون تأسیس شد تا در حوزه موضوعات حقوق بشری به صورت تخصصی فعالیت کند.

مبتهی بر آنچه در این بند گفته شد، روشن است که تا سال ۱۳۸۶ و تأسیس ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی و حقوقی ایران، «ادارات»، «کمیسیون‌ها»، «کمیته‌ها» و «ستادها»ی مختلفی در زمینه حقوق بشر پیش‌بینی و ایجاد شده بودند که بررسی اجمالی وظایف این مراجع گویای وجود هم‌پوشانی و موازی‌کاری در اهداف و صلاحیت‌های آن‌ها در خصوص موضوعات حقوق بشری بوده است. این در حالی است که برخی از مراجع مورد اشاره کماکان نیز واجد صلاحیت هستند و در عرض ستاد حقوق بشر به ایفای صلاحیت‌های خود می‌پردازند. لذا، می‌توان ادعا نمود که در زمینه نهادسازی در حوزه حقوق بشر، نظام سیاسی ایران دارای تورم و موازی‌کاری است و اجمالاً می‌توان این موضوع را با «ایجاد نظام اداری صحیح» به عنوان یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران مذکور در بند ۱۰ اصل ۳ قانون اساسی مغایر دانست.

۲. جایگاه ستاد حقوق بشر و مصوبات آن در ایران

جهت شناسایی چالش‌های مربوط به ستاد حقوق بشر، مقدمتاً لازم است تا جایگاه این ستاد در نظام سیاسی ایران و مصوبات آن در نظام حقوقی کشور تبیین شود. با این مقدمه، در ادامه به صورت مجزا به بررسی جایگاه نهادی و مصوبات این ستاد پرداخته خواهد شد.

۲-۱. جایگاه نهادی ستاد حقوق بشر

فصل سیزدهم و اصل ۱۷۶ قانون اساسی به نهاد شورای عالی امنیت ملی اختصاص یافته است. این اصل در جریان بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی الحاق شد. برخی شورای عالی امنیت ملی را عملاً جایگزین شورای عالی دفاع ملی قلمداد کرده‌اند (مهرپور، ۱۳۸۷: ۴۵۹) و در واقع اصل ۱۷۶ را جایگزین بند ۳ اصل ۱۱۰ سابق که به تشکیل شورای عالی دفاع ملی تصریح کرده بود، می‌دانند (شعبانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). برخی دیگر شورای عالی امنیت ملی را در واقع جایگزین شورای عالی دفاع و شورای امنیت کشور می‌دانند (وکیل و عسکری، ۱۳۸۸: ۵۸۷).

به موجب اصل ۱۷۶، «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی.

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.^۱ مبتنی بر وظایف ذکر شده برای شورای عالی امنیت ملی، برخی حقوق‌دانان این شورا را مرکز نظام هماهنگ‌سازی و پیشبرد اقدامات مربوط به امنیت ملی و مرکز ثقل تدابیر امنیت ملی می‌دانند (قربان‌پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۸) که با توجه به اطلاق و عموم صلاحیت‌های مذکور و مفاهیمی همچون «امنیت»، گستره مداخلات این شورا در اداره امور کشور را باید بسیار وسیع و در حوزه‌های مختلف دانست. توضیح آنکه، در گفتمان‌های مدرن و پسامدرن، دیگر امنیت ملی صرفاً نظامی‌گری تلقی نمی‌شود و در ابعاد گوناگون قابل بررسی است. لذا به‌کارگیری همه امکانات کشور در همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... جهت نیل به امنیت ملی در معنای واقعی کلمه، الزامی است (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۴۳). بر همین اساس، با عنایت به اینکه امروزه پیشبرد سیاست‌های ملی در بخش امنیتی بدون استفاده بهینه از همه توانمندی‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل ملی امکان‌پذیر نیست (عزیزی علویچه و دیگران، ۱۳۷۹: ۵۹)، بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۷۶ قانون اساسی بسترهای مقتضی برای تأمین امنیت ملی را فراهم کرده‌اند و بند ۳ اصل مزبور، کلیه موانع را از سر راه برداشته است و از این طریق سازوکاری جامع برای تحقق اهداف شورای عالی امنیت ملی منظور شد (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۷۷۶).

اصل ۱۷۶ علاوه بر تعیین هدف قانون اساسی از تأسیس شورای عالی امنیت ملی و وظایف آن شورا، ترکیب اعضای این شورا را مشخص کرده و ترکیب مزبور^۲ مؤید اهمیت این شورا است. به‌واسطه ترکیب و صلاحیت‌های شورای عالی امنیت ملی، این شورا را مستقل از قوای سه‌گانه و در امور دفاعی و امنیتی در تعامل و ارتباط نزدیک با آن‌ها می‌دانند (جوان آراسته، ۱۳۹۷: ۳۰۷).

از جمله مهم‌ترین تمهیدات اعضای شورای بازنگری در قانون اساسی جهت فراهم نمودن امکان تحقق وظایف شورای عالی امنیت ملی این است که اصل مزبور، امکان تشکیل شوراهای فرعی را

۱. اعضای شورا عبارتند از: ۱- رؤسای قوای سه‌گانه؛ ۲- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح؛ ۳- مسئول امور برنامه و بودجه؛ ۴- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری؛ ۵- وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات؛ ۶- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

در حوزه‌های مرتبط با وظایف آن شورا فراهم کرده است. عبارت ذیل اصل مزبور مقرر داشته است: «شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.» بنابراین، به استناد عبارت مزبور، هرگاه شورای عالی امنیت ملی تشکیل شورایی فرعی به منظور پیشبرد بهتر برخی از امور خود را لازم بداند، می‌تواند رأساً اقدام به تشکیل آن شورا کند.

در راستای عبارت مزبور، به موجب نظرات مختلف شورای نگهبان، تشکیل شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی تنها در صلاحیت خود آن شورا قرار دارد و از این جهت سایر مراجع از جمله مجلس شورای اسلامی صلاحیت قانون‌گذاری در این زمینه را ندارند. به عنوان نمونه، شورای نگهبان به موجب نظرات شماره ۷۸/۲۱/۵۸۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۹/۳۰ و شماره ۷۸/۲۱/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲ در خصوص لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل «شورای مرزهای کشور به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی» را با این استدلال که «اصل ۱۷۶ قانون اساسی تشکیل شوراهای فرعی را به عهده شورای امنیت ملی محول نموده» مغایر اصل مذکور اعلام کرد.^۱ همچنین، نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۶۲۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۹ شورای نگهبان در خصوص طرح تقویت مرزبانی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشت که: «تشکیل شورای مرز موضوع ماده (۳)^۲ با توجه به وظایف و اختیارات مذکور در این مصوبه، از

۱. ماده ۱۸۴: شورای مرزهای کشور به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. ترکیب اعضاء و تشکیلات شورا با پیشنهاد وزارت کشور و وزارت اطلاعات به تصویب شورای عالی امنیت ملی خواهد رسید.

الف) هماهنگ کردن سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی با مسائل امنیتی مرز در عالی‌ترین سطح اجرایی کشور و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در مرز به منظور ایجاد وحدت رویه
ب) نظارت بر وظایف و اقدامات کلیه دستگاه‌ها و سازمان‌ها و نیروهای دست‌اندرکار در مسائل مرزی
ج) تهیه و تنظیم استراتژی کشور در امور مرز جهت تصویب شورای عالی امنیت ملی و اجرای طرح جامع مرزهای کشور.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۵ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده (۱۸۴) حذف گردید.

۲. ماده ۳: به منظور تدوین و تنظیم سیاست‌های راهبردی توسعه متوازن در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در امور مرزی و ایجاد روش‌های اجرایی مشترک و هماهنگی کلان بین دستگاه‌های اجرایی مرتبط با

شوراهای مقرر در اصل ۱۷۶ بوده و همچنین تصویب تشکیلات آن توسط مجلس شورای اسلامی با توجه به ذیل اصل مرقوم، مغایر اصل ۱۷۶ قانون اساسی شناخته شد.»

این رویکرد از مشروح مذاکرات اصل ۱۷۶ قانون اساسی نیز قابل استنباط است و اساساً مبنای تدوین اصل به این صورت، آن بوده است که ابتکار تشکیل شوراهای فرعی منحصراً در اختیار شورای عالی امنیت ملی باشد (اداره کل قوانین، اداره تدنویسی، ۳/۱۳۸۰: ۱۴۹۷).

پس از تأسیس شوراهای فرعی نیز حقوق‌دانان این شوراهای را از نظر سلسله‌مراتب در ذیل شورای عالی امنیت ملی تلقی می‌کنند و از این جهت معتقدند که این قبیل شوراهای از یک سو باید بر اساس قانون اعمال وظیفه نمایند و از سوی دیگر موظف هستند که از مصوبات و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی در محدوده سیاست‌های مقام رهبری تبعیت کنند (هاشمی، ۲/۱۳۸۳: ۵۳۹-۵۳۸).

بررسی شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی گویای آن است که تا زمان نگارش این مقاله، دو شورای فرعی در ذیل شورای عالی امنیت ملی قابل شناسایی هستند. شورای فرعی نخست «شورای امنیت کشور» می‌باشد که مطابق حکم رییس شورای عالی امنیت ملی، ریاست آن بر عهده وزیر کشور قرار داده شده است.^۱ عمده وظایف شورای امنیت کشور «بررسی جریانات و پیش‌آمدهای

مرز و نظارت بر حسن اجراء امور مرزی و تقویت و کنترل مؤثر مرزها، شورای مرز با ترکیب افراد زیر تشکیل می‌گردد:

... -

تبصره ۱: ریاست شورای مرز با رئیس جمهور یا یکی از اعضاء شورای عالی امنیت ملی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.

تبصره ۲: شورای مرز به تناسب مسئولیت خود کارگروه‌های تخصصی با تعیین ترکیب و شرح وظایف هر یک تشکیل می‌دهد. مصوبات کارگروه‌ها لازم است به تأیید شورای مرز برسد.

تبصره ۳: جلسات شورای مرز هر سه ماه یک بار تشکیل می‌شود. شورای مرز می‌تواند بنا به ضرورت جلسات فوق‌العاده نیز داشته باشد.

تبصره ۴: شورای مرز مجاز است حسب مورد از سایر وزراء و مسئولان و کارشناسان دستگاه‌های ذی‌ربط بدون حق رأی جهت شرکت در جلسات دعوت نماید.

۱. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبر: (کد خبر: ۳۳۱۴۵؛ تاریخ انتشار: ۱۵ آبان ۱۳۹۲)

«جناب آقای دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر محترم کشور

در اجراء اصل یکصد و هفتاد و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تمشیت شایسته امور جاری شورای امنیت کشور و پویایی فعالیت‌های آن، جنابعالی را با کلیه اختیارات به عنوان «رییس شورای امنیت کشور» منصوب می‌نمایم تا ضمن برنامه‌ریزی، پیگیری و اتخاذ تصمیمات لازم، از تمام ظرفیت‌های موجود دستگاه‌های ذی‌ربط در جهت برقراری حفظ امر خطیر امنیت در داخل کشور بهره‌گیری کنید.

—

عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن» است.^۱

علاوه بر شورای مذکور، مصوبه شماره ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۴ اقدام به تشکیل «ستاد حقوق بشر» کرده است. ترکیب ستاد مزبور عبارت است از: (۱) وزیر کشور. ۲. وزیر امور خارجه. ۳. وزیر اطلاعات. ۴. وزیر دادگستری. ۵. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۶. دادستان کل کشور. ۷. رئیس دیوان عالی کشور. ۸. فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. ۹. رئیس سازمان بازرسی کل کشور. ۱۰. رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین کشور. ۱۱. مسئول کمیته حقوقی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی. ۱۲. معاون امنیت بین الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی. ۱۳. دو نفر از حقوقدانان یا قضات با سابقه. ۱۴. دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه.^۲ ریاست این ستاد نیز با رئیس قوه قضائیه می‌باشد و بدین جهت در حال حاضر ساختار این ستاد در ذیل آن قوه تدارک شده است.

مبتهی بر نکات ذکر شده، علی‌رغم اینکه ساختار و مدیریت این ستاد در ذیل قوه قضائیه تعریف شده، کماکان بایستی این ستاد را یکی از شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی قلمداد کرد و اعتبار تصمیمات آن را برگرفته از جایگاه شورای عالی امنیت ملی دانست. بنابراین، چه بسا، به استناد صلاحیت مقرر در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، رئیس‌جمهور اقدام به تغییر ریاست این شورا از ریاست قوه قضائیه به وزارت امور خارجه نماید و از این طریق، دبیرخانه و ساختار داخلی آن ستاد در وزارت

امید است آن شورا بتواند به عنوان بازوی توانمند شورای عالی امنیت ملی در جهت حفظ دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی با رعایت اصول قانون‌مداری، اعتدال‌گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید ایفای نقش نماید. حسن روحانی رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی»

۱. در این راستا، ماده (۱) قانون «راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور» مقرر داشته است:

«ماده ۱: به منظور بررسی جریان‌ات و پیش‌آمدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن شورای امنیت به مسئولیت وزیر کشور عهده‌دار وظایف زیر خواهد بود: الف) جمع‌بندی و بررسی اخبار و گزارشات و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وقایع حساس امنیتی - سیاسی - اجتماعی کشور جهت بهره‌برداری سریع به منظور ترسیم وضع موجود و پیش‌بینی تحولات آتی. ب) برقراری ارتباط با شورای تأمین استان‌ها و دریافت گزارشات نوبه‌ای از وضع امنیتی، سیاسی، اجتماعی هر استان. ج) مشخص نمودن سیاست‌های عام امنیت داخلی کشور در چهارچوب قوانین مصوبه. د) تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چهارچوب وظایف قانونی آنها. ه) پیگیری و ارزیابی نتایج حاصله از اجراء تصمیمات متخذه در شورا. و- هم‌آهنگ نمودن موارد مشترک با شورای عالی دفاع.»

۲. قابل مشاهده در تارنمای:

<https://humanrights.eadl.ir/>

امور خارجه تشکیل شود. بنابراین، در ترسیم جایگاه ستاد حقوق بشر باید توجه داشت که علی‌رغم تشکیل این ستاد در ذیل ساختار قوه قضائیه، بایستی به وجهه فراقوه‌ای بودن این ستاد توجه نمود و کماکان آن را به عنوان یکی از شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی محسوب کرد. بنا به مراتب فوق، با توجه به جایگاه والای ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی کشور و ضرورت ارتباط و هماهنگی تمام ارگان‌های ذی‌ربط با این ستاد، در خصوص موضوعات حقوق بشری و در حدود صلاحیت‌های این ستاد، علی‌الاصول همه مراجع و نهادها مکلف به همکاری با این ستاد هستند.

۲-۲. جایگاه مصوبات ستاد حقوق بشر

در هر نظام حقوقی، تعیین جایگاه مصوبات و هنجارهای حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آن به عنوان ضرورت‌های بنیادین حقوق عمومی یاد شده است (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۲: ۸۲). چراکه تعیین جایگاه مصوبات در سلسله مراتب هنجاری، مشخص‌کننده میزان ارزش و اعتبار یک هنجار در نظام حقوقی است و اینکه آن هنجار در مقایسه با سایر هنجارهای الزام‌آور، به هنگام تعارض یا تراحم، تا چه اندازه اعتبار و کارایی خود را حفظ می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۶۸). لذا، در هر نظام حقوقی باید شأن و اعتبار هر تأسیس حقوقی و رابطه آن با هنجارهای فوقانی و تحتانی روشن و شفاف باشد (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

با عنایت به مقدمه فوق، بر اساس تتبع نویسندگان این تحقیق در نص اصل ۱۷۶ قانون اساسی، برخلاف صلاحیت وضع مصوبه توسط شورای عالی امنیت ملی که به صراحت اصل مزبور ترتیبات آن تعیین شده، در خصوص صلاحیت شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی جهت وضع مصوبه ابهامات متعددی قابل طرح است و این موضوع سبب شده تا اظهارنظر در خصوص جایگاه مصوبات ستاد حقوق بشر دشوار باشد. توضیح آنکه، به موجب صراحت اصل ۱۷۶، در صورتی که مصوبه‌ای در صحن شورای عالی امنیت ملی به تصویب برسد، آن مصوبه جهت تأیید برای مقام رهبری ارسال خواهد شد و در صورت تأیید آن از جانب رهبری، مصوبه مزبور لازم‌الاجرا خواهد بود. با عنایت به تصریح قانون اساسی در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی، برخی معتقدند که این مصوبات در صورت تأیید از سوی مقام رهبری، در حکم قانون عادی و قابل اجرا هستند (عمید زنجانی، ۱/۱۳۷۷: ۵۲۴؛ فلاح‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۹). از طرفی، امکان نسخ یا نقض قوانین و آیین‌نامه‌های سابق به‌واسطه این قبیل مصوبات وجود دارد (وکیل و عسکری، ۱۳۸۸: ۵۸۷). برخی حقوق‌دانان با استناد به برخی از آراء قضایی، اعتبار مصوبات این شورا را با توجه به تأیید آن‌ها توسط مقام رهبری، از قوانین بالاتر می‌دانند و حتی معتقدند که قوانین مؤخر نمی‌توانند مصوبات این شورا که در حدود صلاحیت آن مرجع وضع شده‌اند را نسخ کنند (مقدسی و اکبری،

۱۳۹۶، ۸۸۹ - ۸۹۰)؛^۱ بلکه، مجلس و دولت در جریان تدوین و تصویب مصوبات خود باید مفاد تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را به طور کامل مدنظر قرار دهند (مزارعی، ۱۳۹۲: ۱۹۲).

با وجود ویژگی‌های ذکر شده برای مصوبات شورای عالی امنیت ملی، با توجه به اینکه اصل ۱۷۶ در خصوص صلاحیت وضع مصوبه توسط شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی و ترتیبات آن ساکت است و اصل مزبور تنها به این مطلب تصریح دارد که «حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند» و با عنایت به قاعده عدم صلاحیت در حقوق عمومی، صلاحیت وضع مصوبه توسط شوراهای فرعی و جایگاه مصوبات آن‌ها واجد ابهام است. در این زمینه، برخی حقوق‌دانان کمیته‌ها یا شوراهای فرعی را به عنوان بازوی مشورتی و تخصصی یک ارگان، شورا یا نهاد تلقی می‌کنند (مشهدی و فریادی، ۱۳۸۹: ۹۰) که مبتنی بر این تلقی، شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی تنها امکان اظهارنظر و ارائه مشورت به آن شورا را دارند. البته، با توجه به اینکه به موجب اصل ۱۷۶، تعیین حدود صلاحیت این شوراها به قانون عادی واگذار شده، تردیدی نیست که اگر قانون‌گذار تصمیم‌گیری در خصوص موضوع خاصی را برعهده یکی از شوراهای فرعی همچون ستاد حقوق بشر قرار دهد، آن ستاد صلاحیت خواهد داشت تا بر طبق ترتیبات قانونی و در حدود صلاحیت تعیین شده توسط قانون، اقدام به تصمیم‌گیری در آن زمینه یا وضع مصوبه کند. در خصوص این وضعیت باید توجه نمود که در این فرض، مصوبات ستاد حقوق بشر به عنوان تصمیمات یک مرجع اداری قلمداد شده و با توجه به اینکه امکان تجاوز از حدود وظایف یا تعرض به حقوق و آزادی‌های شهروندان در این موارد قابل تصور است، می‌بایست امکان نظارت قضایی بر مصوبات این ستاد فراهم شود.^۲ بنابراین، در این فرض، مصوبات ستاد حقوق بشر مصداق تصمیمات شورای عالی امنیت ملی در تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری^۳ مصوب ۱۳۹۲ نیست و بایستی امکان نظارت دیوان عدالت اداری بر این دسته از مصوبات

۱. در این زمینه، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۹۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ شعبه چهارم دیوان عدالت اداری مقرر داشته است: «مصوبات شورای عالی امنیت ملی که به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است با قوانین عادی ملغی نمی‌گردد.» (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، ۱۳۹۳: ۱۳).

۲. آنچه در اینجا از نظارت قضایی مدنظر است، «بازبینی دقیق تصمیمات و اقدامات از سوی دادگاه‌ها با هدف نظارت بر رعایت اصول و قواعد حقوقی (حقوق عمومی)» است (مولایی و سعادت‌راد، ۱۳۹۸: ۲۰۹).

۳. تبصره: رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.

فراهم شود. این در حالی است که در خصوص مستثنی شدن مصوبات شورای عالی امنیت ملی از نظارت دیوان عدالت اداری علاوه بر ماهیت این مصوبات که غالباً سیاسی و امنیتی است و نظام حقوقی این قبیل مصوبات را مشمول نظارت قضایی نمی‌داند، با توجه به وجود دلایلی همچون حضور رؤسای قوای سه‌گانه در شورای عالی امنیت ملی و اعمال نظارت متقابل آن‌ها بر عملکرد یکدیگر و از سوی دیگر نظارت مقام رهبری بر مصوبات آن شورا، نظارت‌ناپذیری مصوبات شورای عالی تا حدودی توجیه‌پذیر است.

بنابراین، با فرض اینکه مصوبات ستاد حقوق بشر در چارچوب صلاحیت قانونی آن ستاد به تصویب برسد، آن مصوبه به عنوان یک عمل اداری محسوب می‌شود و همچون مصوبات شورای امنیت کشور یا شوراهای تأمین استان‌ها (به عنوان نهاد پایین‌دستی شورای امنیت کشور در سطح استانی) قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری است. برای نمونه می‌توان به دادنامه شماره ۷۹/۳۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ دیوان راجع به درخواست ابطال بند ۴ مصوبه شماره ۶/۱/۴۶۸۹۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای امنیت کشور^۱ یا دادنامه شماره ۱۰۲۸-۱۰۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۵/۲۲ دیوان راجع به ابطال مصوبه شماره ۱/۵۶۳/م مورخ ۱۳۹۷/۶/۵ شورای تأمین شهرستان ابهر اشاره کرد.

البته در خلأ وجود قانون در مورد صلاحیت تصمیم‌گیری ستاد حقوق بشر و در چارچوب وظایف تعیین شده از سوی شورای عالی امنیت ملی برای ستاد حقوق بشر، این ستاد ممکن است اقدام به تصمیم‌گیری و وضع مصوبه در حوزه‌های مختلف نماید. در این فرض، به صراحت اصل ۱۷۶ قانون اساسی مبنی بر اینکه «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است» و اینکه مبتنی بر مبانی حقوق عمومی اصل بر عدم امکان تفویض اختیار مراجع به مقامات و مراجع دیگر است، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مصوبات ستاد حقوق بشر نمی‌تواند به جای مصوبات شورای عالی امنیت ملی محسوب شوند و تنها این ستاد می‌تواند نظراتی را به عنوان نظر مشورتی تهیه کند و آن نظرات به تصویب شورای عالی امنیت ملی و نهایتاً مقام رهبری برسند.

با وجود تحلیل‌های ذکر شده و به‌رغم محرمانه‌بودن بخش قابل توجهی از مصوبات شورای عالی امنیت ملی، مستنبط از برخی از اسناد و مکاتبات حقوقی همچون آنچه در گردش کار مربوط به

۱. «نظر به این‌که مطابق ماده ۱۷ قانون ازدواج، نکاح اتباع بیگانه با بانوان ایرانی در صورتی که منع قانونی هم نداشته باشد باید با اجازه دولت باشد و مستنداً به ماده ۴۵ قانون ثبت احوال که مقرر می‌دارد، هویت و تابعیت مرد به جهت اثبات بناء علی الترتیب به مراجع انتظامی و شورای تأمین شهرستان راجع است. لذا بند ۴ مصوبه شورای امنیت کشور مغایر قانون شناخته نشد.»

دادنامه شماره ۱۰۷۴ مورخ ۱۳۹۴/۹/۳ و به عنوان دفاعیات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است می‌توان دریافت که ظاهراً شورای عالی امنیت ملی از عبارت «شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی ... تشکیل می‌دهد»، امکان تفویض اختیار تصمیم‌گیری در موضوعات خاص به شورای فرعی مربوطه را نیز استنباط کرده است و در مواردی مصوبات شوراها و کمیته‌های فرعی خود را معادل با مصوبات شورای عالی قلمداد نموده است. به عنوان نمونه، در پرونده مورد اشاره، بند «۱۳» دفاعیات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشعار می‌دارد: «... وفق مصوبه جلسه ۲۹۸ شورای عالی امنیت ملی، مصوبات این کمیته [کمیته سیاستگذاری رسانه] که ترکیب حقوقی آن در همان صورتجلسه مشخص شده است، معادل مصوبات این شورا [شورای عالی امنیت ملی] است». لذا، در این فرض، علی‌الاصول این مصوبات باید پس از تأیید مقام رهبری لازم‌الاجرا شوند و ترتیبات مربوط به مصوبات شورای عالی امنیت ملی را طی کنند.

بنا بر فروض ذکر شده، با توجه به اینکه تاکنون قانون خاصی که صلاحیت تصمیم‌گیری در حوزه خاصی را به ستاد حقوق بشر اعطا کند وضع نشده است، در هر صورت مصوبات این ستاد تنها پس از تأیید مقام رهبری لازم‌الاجرا خواهد بود و با تحقق این شرایط، این قبیل مصوبات واجد اعتباری بالاتر از قوانین عادی خواهند بود و علی‌الاصول همه مراجع و مقامات کشور مکلف به رعایت آن‌ها می‌باشند.

۳. صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر و چالش‌های آن

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در حال حاضر ساختار و مرکز ستاد حقوق بشر در ذیل قوه قضائیه و تحت عنوان «ستاد حقوق بشر» شناخته می‌شود. مبتنی بر شرح وظایف مقرر در تارنمای ستاد مزبور که برگرفته از مصوبه ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی است، اموری از قبیل: «طراحی، هدایت و پیگیری کلیه امور مربوط به ستاد حقوق بشر در سطح داخلی، خارجی و بین‌المللی با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط»، «طرح مسائل حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی»، «پاسخ‌گویی به مواضع و بیانیه‌های کشورها»، «تبیین نظر اسلام درباره موضوعات حقوق بشری»، «ایفای نقش «محوری» در خصوص طرح مسائل حقوق بشری»، «همکاری‌های دوجانبه حقوق بشری»، «آشنا کردن کشورها با نظام حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران»، «آشنا کردن کشورها با اقدامات جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتقاء مباحث حقوق بشری»، «آشنا شدن با فعالیت کشورهای طرف مذاکره در زمینه حقوق بشر و مکانیسم‌های پیگیری مسائل مربوط به آن»، «همکاری‌های چندجانبه حقوق بشری با نهادها و سازمان‌هایی همچون سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) یا جنبش غیرمتعهدها

(NAM)»، «همکاری با شورای حقوق بشر» و «اقدامات مربوط به مجمع عمومی و کمیته سوم سازمان ملل متحد» از جمله صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر شناخته می‌شوند.

در خصوص صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر باید به این نکته توجه نمود که همچنان‌که در بند قبل اشاره شد، در صورتی که شورای عالی امنیت ملی به استناد اصل ۱۷۶ قانون اساسی اقدام به تشکیل شوراهای فرعی کند، به موجب عبارت ذیل اصل مزبور تعیین «حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی» در صلاحیت قانون خواهد بود. لذا، همان‌طور که مجلس شورای اسلامی به موجب «قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور» مصوب ۱۳۶۲، وظایف شورای امنیت کشور به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی را تعیین کرده، وظایف ستاد حقوق بشر نیز بایستی توسط مجلس شورای اسلامی تعیین شوند. این در حالی است که برخلاف ترتیبات مذکور، مجلس شورای اسلامی تاکنون صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر را تعیین نکرده و از این جهت ایفای صلاحیت‌های این ستاد از نظر انطباق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی محل اشکال است.

در خصوص اشکال ذکر شده، تأکید بر این نکته لازم است که با وجود آنکه تفاسیر مختلفی از اصطلاح «قانون» قابل طرح است و این تفاوت در تفاسیر در اصول مختلف قانون اساسی نیز قابل مشاهده است؛ ولیکن، تبادر اولیه از اصطلاح «قانون» در اصل ۱۷۶ که منطبق با مبانی تصویب قانون اساسی و استقلال قوا در اصل ۵۷ قانون اساسی^۱ می‌باشد، مصوبه مجلس شورای اسلامی به عنوان رکن قانون‌گذار در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۵۸)^۲ است. لذا، مبتنی بر ظاهر اصل ۱۷۶ قانون اساسی تنها مجلس شورای اسلامی صلاحیت وضع قانون در این زمینه و تعیین صلاحیت‌های شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی را دارد. در تأیید نظر فوق می‌توان به این نکته اشاره کرد که در سایر اصول قانون اساسی همچون اصول ۱۷۳ و ۱۷۴ نیز تعیین حدود اختیارات و وظایف و یا نحوه عملکرد مراجع به «قانون» واگذار شده و حال آنکه تردیدی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی در آن موارد نیست. بنابراین، در مقام تفسیر مرجع صالح جهت تعیین قانون مربوط به صلاحیت ستاد حقوق بشر باید به معنای خاص از «قانون» اکتفا نمود و آن را معادل با مصوبات مجلس شورای اسلامی تلقی کرد. با چنین تفسیری از قانون اساسی، با توجه به اینکه شورای عالی

۱. اصل ۵۷: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

۲. اصل ۵۸: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.»

امنیت ملی نمی‌تواند در حوزه‌های مربوط به صلاحیت اختصاصی مجلس شورای اسلامی که در قانون اساسی تعیین شده مصوبه وضع کند، حتی با سکوت مجلس در این زمینه نیز شورای عالی امنیت ملی صلاحیت تعیین صلاحیت‌های شوراهای فرعی خود را ندارد.

با اثبات این مطلب که عدم تعیین صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر در قانون عادی و اکتفا به مصوبه شورای عالی امنیت ملی در این زمینه یک اشکال به وضعیت حقوقی موجود قلمداد می‌شود، تأکید بر این نکته لازم است که اصل حاکمیت قانون و تن دادن به لوازم و پیامدهای آن، یکی از عناصر اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود (مالمیری، ۱۳۸۵: ۸). بنابراین، به منظور تضمین این وضعیت، تا زمانی که صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده، نباید ایفای صلاحیت‌های آن ستاد را مجاز شمرد و علی‌الاصول نمی‌توان تصمیمات و اقدامات این ستاد را واجد اثر حقوقی دانست.

در مقابل نظر ذکر شده، ممکن است تأسیس ستاد حقوق بشر و تعیین صلاحیت‌های آن توسط شورای عالی امنیت ملی به استناد بند ۳ اصل ۱۷۶ قانون اساسی دانسته شود و از این طریق این‌گونه استدلال شود که در واقع شورای عالی امنیت ملی به منظور بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، تصمیم‌گیری در حوزه حقوق بشر را به ستاد حقوق بشر تفویض کرده است. لذا، اساساً آن ستاد، شورای فرعی ذیل شورای عالی امنیت ملی محسوب نمی‌شود که نیاز به تعیین صلاحیت‌های آن توسط مجلس شورای اسلامی باشد. در مقام تحلیل این ادعا باید توجه نمود که مبتنی بر مبانی حقوق عمومی، در این حوزه اصل بر عدم امکان تفویض صلاحیت می‌باشد و اساساً شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند غیر از طریق مذکور در اصل ۱۷۶ (شوراهای فرعی)، صلاحیت‌های خود را به مرجع دیگری تفویض کند. لذا، چنین ادعایی به جهت ذکر شده مغایر با قانون اساسی و به خصوص اصل عدم تفویض در حقوق عمومی است.

نتیجه

بررسی جایگاه ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مؤید آن است که با وجود آنکه ساختار و مدیریت این ستاد در ذیل قوه قضائیه تعریف شده، این ستاد یکی از شوراهای فرعی ذیل شورای عالی امنیت ملی محسوب می‌شود و از این جهت واجد شأن فراقوه‌ای است. بنابراین، به اعتبار جایگاه والای ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی کشور، در حوزه موضوعات حقوق بشری، علی‌الاصول همه مراجع و نهادها مکلف به همکاری با این ستاد هستند.

با وجود ابهامات فراوان در خصوص جایگاه مصوبات ستاد حقوق بشر نیز این نتیجه به دست آمد که با توجه به اینکه به موجب اصل ۱۷۶، تعیین حدود صلاحیت شوراهای فرعی ذیل شورای

عالی امنیت ملی به قانون عادی واگذار شده، ستاد حقوق بشر تنها در صورتی صلاحیت تصمیم‌گیری و وضع مصوبه دارد که قانون‌گذار این صلاحیت را به آن ستاد داده باشد. در این صورت، مصوبات ستاد حقوق بشر همانند مصوبات شورای امنیت کشور به عنوان تصمیمات یک مرجع اداری قلمداد شده و با توجه به اینکه امکان تجاوز از حدود وظایف یا تعرض به حقوق و آزادی‌های شهروندان در این موارد قابل تصور است، علی‌الاصول دیوان عدالت اداری صلاحیت اعمال نظارت قضایی بر مصوبات این ستاد را دارد.

در بررسی‌های صورت گرفته مهم‌ترین چالش حقوقی مرتبط با ستاد حقوق بشر آن است که به موجب صراحت اصل ۱۷۶ قانون اساسی صلاحیت‌های شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی باید به‌وسیله قانون و از سوی مجلس شورای اسلامی تعیین شود، این در حالی است که در حال حاضر صلاحیت‌های این ستاد توسط مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین شده و از این جهت وجاهت قانونی مصوبات این ستاد محل تأمل جدی است. لذا، به منظور رفع اشکال ذکر شده، لازم است تا مجلس با تصویب قانون صلاحیت‌های ستاد حقوق بشر، به مصوبات این شورا اعتبار قانونی ببخشد.

منابع

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۲)، «حکم حکومتی راهی برای پاسخگویی به نیازهای متغیر»، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، سال نهم، شماره سی و پنجم، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی (۱۳۹۳)، رویه قضایی، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عدالت داری (بهمن ۱۳۹۱)، تهران: مرکز مطبوعات انتشارات قوه قضائیه، چاپ دوم.
- جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴)، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه انتشاراتی دارالحدیث.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «نظام قانون‌گذاری ایران و نقش مجمع تشخیص مصلحت (با تأملی در ماهیت حقوقی سیاست‌های کلی نظام)»، راهبرد، شماره ۳۴، صص ۳۳۳-۳۲۰.
- شعبانی، قاسم (۱۳۹۲)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ پنجاهم.
- اداره کل قوانین، اداره تندنویسی (۱۳۸۰)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات.
- عزیزی علویچه، حسن و دیگران (۱۳۷۹)، مفهوم شناسی امنیت، شرحی بر تهدیدات امنیتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، حقوق اساسی ایران شامل: دوران باستان، دوره اسلامی، مشروطه و جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات بازنگری ۱۳۶۸، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، فقه سیاسی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلاح زاده، علی محمد و دیگران (۱۳۹۱)، تفکیک تقنین از اجرا، تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ پانزدهم، تهران: نشر میزان.
- قربان‌پور، علی، ابوالفضل رنجبری و محمد مظهری (۱۳۹۸)، «تبیین ماهیت و صلاحیت‌های شورای عالی امنیت ملی با تأکید بر تصمیمات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای»، راهبرد حقوقی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۶۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، تهران: جنگل - جاودانه.
- مالگیری، احمد (۱۳۸۵)، حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مزارعی، غلامحسین (۱۳۹۲)، جهات ابطال مصوبات دولت در دیوان عدالت اداری و شورای نگهبان، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی و مسعود فریادی (۱۳۸۹)، حقوق شوراهای اداری؛ بررسی حقوقی جایگاه و وضعیت نهادهای شورایی در ساختار قوه مجریه ایران، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

- مولایی، آیت و بهروز سعادت‌راد (۱۳۹۸)، «مشکلات نظارت قضایی بر نهادهای انقلابی با تأکید بر سازمان تبلیغات اسلامی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، شماره ۱۰۷، صص ۲۰۷-۲۲۶.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- وکیل، امیرساعد و پوریا عسکری (۱۳۸۸)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجلد.

